

دست را بگیریم نه چ را

دکتر محمدعلی اسماعیل زاده اصل

ع در روابط...

در تمام این رابطه‌ها می‌توانیم، به اصطلاح بازخوانی و ویرایش داشته باشیم. دانش‌آموزان با بازخوانی فعالیت‌ها و عملکرد یکدیگر می‌توانند به رشد یکدیگر کمک کنند. به هنگام درست کردن یک کار دستی، به هنگام حل یک مسئله، به هنگام تأمل در رابطه با یک دوست، به هنگام انجام یک حرکت ورزشی و در بسیاری موارد دیگر، همراهی دانش‌آموزان با یکدیگر می‌تواند به بهبود فعالیت‌ها و یادگیری بیشتر و بهتر کمک کند. با این حال این رابطه بین هم‌آموزان تنها در صورتی شکل خواهد گرفت که اعتماد و صمیمیت بین آن‌ها وجود داشته باشد.

رابطهٔ معلم و دانش‌آموز می‌تواند به دو صورت تعریف شود:

۱. رابطه‌ای که در آن معلم امتحان می‌گیرد تا غلط‌های دانش‌آموزان را بگیرد و به آن‌ها نمره دهد.
۲. رابطه‌ای که در آن معلم به بازخوانی عملکرد دانش‌آموزان کمک می‌کند و پیشنهادهایی برای بهبود عملکرد به آن‌ها می‌دهد

در رابطهٔ اول معلم از بالا به دانش‌آموز نگاه می‌کند و یادگیری دانش‌آموز را اندازه می‌گیرد تا به دیگران گزارش دهد. در این شرایط دانش‌آموزان با روش‌های مختلف، از جمله تقلب،

این نوشته هم، مانند سایر متن‌هایی که در مجلات رشد نوشته می‌شوند، وقتی به دست شما برسد توسط یک ویراستار بازخوانی و ویرایش شده است. ویراستار از من غلط نمی‌گیرد و به نوشته من نمره نمی‌دهد. او همکار من است و به من کمک می‌کند تا نوشته‌هایم غلط‌های تایپی، نگارشی و دستوری نداشته باشد. ویراستار گاهی هم پیشنهادهایی برای روان‌تر شدن متن می‌دهد. او همکار و کمک کار من است. باید به من «پیشنهاد» تغییر بدهد؛ حال اگر خودش قلم به دست بگیرد و بدون اطلاع من تغییری در متن بدهد و متن منتشر شود، او کار خودش را به درستی انجام نداده و نه تنها کمکی به من نکرده، بلکه چه بسا به نوشته من آسیب هم رسانده است. این از ویرایش در کلام؛ اما آیا در مدرسه هم بازخوانی و ویرایش داریم؟ بلی، داریم:

- ع در روابط دانش‌آموزان با یکدیگر؛
- ع در روابط دانش‌آموزان با معلمان؛
- ع در روابط معلمان با یکدیگر؛
- ع در روابط معلمان با مدیر و کادر آموزشی؛
- ع در روابط مدیران مدارس با یکدیگر؛
- ع در روابط مدیران مدارس با ادارات آموزش و پرورش؛



مداد حرکت کرد کلمات جاری شدند و یکی از بهترین نوشته‌ها بر دفتر نقش بستند.

پاک کن به آرامی چند کلمه را به این متن زیبا داد و گفت: حیف است که کلمات را اصلاح کنیم تا متن زیباتر شود.

به دیگران شود، سعی می‌کنم در حضور معلمان دیگر رفتاری غیر از رفتار معمول خودم در کلاس داشته باشم و حضور آن‌ها در کلاس درس هم خوش آیند نخواهد بود.

مدیران و سایر اعضای کادر آموزشی مدارس هم اگر از فرصت بازخوانی و بازخورد دادن برای کمک به معلمان استفاده کنند، بازخوردهایشان با روی باز پذیرفته خواهد شد. اما اگر قرار به قضاوت عملکرد معلمان باشد، فرصت یادگیری از دست می‌رود و پنهان کاری و انکار و فرافکنی جای آن را می‌گیرد.

در بعضی از جلساتی که در استان‌های مختلف میهمان مدیران مدارس هستیم، با هم در مورد فرصت‌های یادگیری ناشی از بازدید از مدارس یکدیگر صحبت می‌کنیم. حتی اکثر مدیران مدرسی که در طرح تعالی مدیریت مدرسه شرکت کرده‌اند می‌گویند:

«نگران این هستیم که نمره ارزیابی کمی به ما داده شود؛»

«افرادی که برای بازدید از مدرسه ما می‌آیند برای مچ‌گیری آمده‌اند نه برای کمک؛»

«اگر وضعی در مدرسه ما وجود داشته باشد آن را به شدت برجسته می‌کنند اما نقاط قوتمان را مورد توجه قرار نمی‌دهند؛»
«اگر مشکلی در مدرسه‌مان وجود داشته باشد آن را پنهان می‌کنیم تا دیگران متوجه آن مشکل نشوند؛»

«آمدن مدیران مدارس دیگر و بازرسان ادارات آموزش و پرورش به مدرسه ما، در ما دلهره تولید می‌کند؛ پس ترجیح می‌دهیم چنین بازدیدهایی

ممکن است تلاش کنند عملکرد بهتری از خودشان نشان دهند. در رابطه دوم معلم همراه دانش‌آموز است و به‌عنوان یک مربی به دانش‌آموز کمک می‌کند تا ضعف‌ها و قدرت‌هایش را بهتر بشناسد و مسیر یادگیری‌اش را بهتر دنبال کند.

همین رابطه بین معلمان یک مدرسه هم وجود دارد. معلمان می‌توانند به کلاس‌های یکدیگر بروند و طی فرایندی که با نام «درس‌پژوهی» شناخته می‌شود، به بازخوانی عملکرد یکدیگر کمک کنند و پیشنهادهایی برای بهبود بدهند. وقتی حضور معلمان دیگر در کلاس درس برای کمک به من باشد، با روی باز پذیرای آن‌ها خواهیم بود و دنبال ایجاد فرصت‌هایی برای حضور آن‌ها هستیم. اما اگر بازدید معلمان دیگر از کلاس من تبدیل به اندازه‌گیری توان معلمی من و یافتن نقطه ضعف‌هایم برای گزارش

وجود نداشته باشد.

انتخاب مدرسه نمونه، مدیر نمونه، معلم نمونه، دانش‌آموز نمونه و شاگرد اول، قرار بوده است طریقی باشد برای ایجاد انگیزه برای پیشرفت. اما روش این انتخاب‌ها آسیب‌های فراوانی تولید می‌کند و فضای همدلی و صمیمیت و هم‌آموزی را به فضای رقابت و پنهان کاری و تقلب و جدایی تبدیل می‌کند.

بازخوانی و یادگیری مشترک و بهبود عملکرد، نیاز به فضای همدلی و صمیمیت و اعتماد دارد، و این فضا در طی زمان به وجود می‌آید. طول می‌کشد تا بتوانیم به هم اعتماد کنیم. طول می‌کشد تا کسی را به‌عنوان دوست بپذیریم. با این حال فرهنگ جمعی اعتماد و صمیمیت را تسریع می‌کند. وقتی به میان جمعی می‌روم که بین آن‌ها اعتماد و صمیمیت وجود دارد، من هم راحت‌تر به آن‌ها اعتماد می‌کنم و زودتر صمیمی می‌شوم. اگر بتوانیم فضای مدرسه را هم به این سمت پیش ببریم، افرادی که در سال‌های آینده به این مدرسه خواهند آمد هم از اثرات آن بهره‌مند خواهند شد. این یک سرمایه‌گذاری بلندمدت و پربازده است. کلاس‌های درس و مدرسه‌مان را به محلی برای همکاری و هم‌آموزی تبدیل کنیم. دست هم را بگیریم نه مچ همدیگر را.